

در نقش گزارش‌گران فساد ملاحظاتی را داشته باشند؛ همان‌گونه که رهبری به این لایه هم توجه داشتند و فرمودند:

«ضمناً راه هم برای تهمت‌زنی باز نشود که حالا تا دیدند که یک دستگاهی هست که گزارش‌های مردمی را گوش می‌کند و قبول می‌کند، هر کس با هر کسی مثلاً یک مختصر خرده حسابی دارد، فوراً او را متهم بکنند؛ نه، بایستی پیش‌بینی بشود و ملاحظه بشود که این [طور] هم نباشد.»
حال در یک تحلیل روان‌شناختی، به کیفیت کنش مردم در گزارش‌گری فساد می‌پردازیم. برای این مهم، ابتدا به گونه‌ای کنش روانی فرد متخلف را در انجام فساد تحلیل می‌کنیم که تجویزی برای اصلاح گزارش‌گری فساد به همراه داشته باشد.

کنش فساد اجتماعی

برای اینکه کنش‌گر اجتماعی به اقدامی خلاف منافع اجتماع دست بزند، ابتدا برای خود، استعداد و کمال ویژه‌ای قایل می‌شود و در رقابت با دیگران، خود را نسبت به عموم افراد اجتماع، برتر و ارجح دانسته و به این ترتیب، خود را متفارق و جدای از عموم افراد اجتماع می‌پندارند. این انگاره‌ی ذهنی برای فرد چنان واقعی می‌نماید که دست‌اندازی به حقوق اجتماع را حق خود می‌داند و حتی فعل خود را فساد تلقی نمی‌کند. عقبه‌ی این کنش را می‌توان در سیر زیر ترسیم کرد:

کنش اصلاح اجتماعی

بر خلاف عقبه‌ی کنش انسانی که منجر به فساد اجتماعی می‌شود، می‌توان کنش دیگری را تصویر نمود که صلاح اجتماعی را در پی داشته باشد. به جای اینکه انگاره‌ی خودبرتری برای افراد ایجاد شود، باید به نیاز و نقص درونی متوجه شوند، زیرا توجه به این جنبه، خیال برتری و ارجحیت را زدوده و بساط تفرقه جمع می‌شود. وقتی افراد اجتماع، تنها وجه مشترک میان خود را «نقص» بدانند، احساس قرابت و نزدیکی می‌کنند. در این صورت، افراد مانند چرخ‌دنده‌هایی هستند که با همدیگر حرکت می‌کنند. لذا روابط و نسب میان افراد به گونه‌ای تنظیم شده که نواقص پوشش داده می‌شود و

۹۹ بازطراحی سازوکار گزارش‌گری فساد در دو لایه‌ی کارگزاران و مردم، ما را به سمت امر واجب فراموش‌شده‌ی رهنمون می‌سازد که چیزی از آن، جز نام «امر به معروف و نهی از منکر» باقی نمانده است؛ این مهم، یک روش متمدانه در مبارزه با فساد و تحقق اصلاح اجتماعی است و برخلاف گزارش‌گری فساد متعارف و مرسوم جهانی، گردی از خوی حیوانی برشأن والای انسان به جای نمی‌گذارد. ۶۶

بر خلاف تعارض بر سر منافع، هم‌افزایی صورت می‌گیرد. در نهایت امر، اصلاح اجتماعی محقق می‌شود. عقبه‌ی این کنش را می‌توان در سیر زیر ترسیم کرد:

گزارش‌گری مردمی معادل امر به معروف و نهی از منکر

با توجه به تحلیل روان‌شناختی از فساد می‌توان گفت که گزارش‌گری مرسوم، میدان رقابتی را برای افشای فساد ایجاد می‌کند که گزارش‌گران برای پیشی گرفتن از فرد مفسد، تخلف او را گزارش می‌کنند تا سهمی از فساد او را دریافت کنند. در حقیقت، خوی فکتر گونه‌ای را در افراد ایجاد می‌کند که از بقایای صید مفسدان بزرگ، طعمه‌ای برای خود دست‌وپا می‌کنند.

برای تغییر نقش مردم در گزارش‌گری فساد می‌توان کیفیت کنش اصلاح اجتماع را سرلوحه‌ی قرار داد؛ بدین ترتیب که فضایی را متصور می‌شویم که بین افراد اجتماعی غلقه و دل بستگی ایجاد شده و آن‌ها اجتماع را یک بدن واحدی می‌دانند؛ لذا به جای رقابت میان افراد، قرابت میان آن‌ها باعث می‌شود که مراقب همدیگر باشند و اگر کسی تخلف نماید، هر کسی که نسبت به این تخلف مطلع باشد، مسئول است؛ مسئولیت او از دو حیث است: از حیث فردی که نسبت به اصلاح متخلف مسئول است و چون فرد متخلف حقوق اجتماع را پایمال کرده است، لذا از حیث اجتماعی هم او نسبت به حقوق اجتماع مسئول است؛ با این احتساب، گزارش‌گر موظف به گزارش فساد می‌باشد و در

قبال این وظیفه‌ی خود نسبت به همه‌ی مردم مسئولیت دارد (متخلف + اجتماع).

دمیدن روح «امر به معروف و نهی از منکر» در کالبد «گزارش‌گری فساد»

بازطراحی سازوکار گزارش‌گری فساد در دو لایه‌ی کارگزاران و مردم، ما را به سمت امر واجب فراموش‌شده‌ی رهنمون می‌سازد که چیزی از آن، جز نام «امر به معروف و نهی از منکر» باقی نمانده است؛ این مهم، یک روش متمدانه در مبارزه با فساد و تحقق اصلاح اجتماعی است و برخلاف گزارش‌گری فساد متعارف و مرسوم جهانی، گردی از خوی حیوانی برشأن والای انسان به جای نمی‌گذارد. امر به معروف و نهی از منکر شرایط و مراتب مشخص و معینی دارد و از آنجا که برآمده از متن دین الهی است، از گزند ناکارآمدی مصون است و اگر اشکالی بر آن وارد شود، به عاملان آن بازمی‌گردد.

امر به معروف و نهی از منکر در مواجهه با فساد، مراتبی دارد که به ترتیب، گزارش‌گر فساد ابتدا باید نسبت به فساد، تنفر و انزجار قلبی داشته باشد؛ در مرتبه‌ی بعد، با تذکر لسانی و دعوت با زبان، فرد مفسد را از غلط بودن فعلش مطلع می‌سازد؛ در مرتبه‌ی آخر، استفاده از زور و قدرت در برخورد با فساد به میان می‌آید. در هر یک از مراتب سه‌گانه‌ی امر به معروف و نهی از منکر، شروط بسیاری وجود دارد و به نحو جامع، کیفیت این امر واجب مشخص است.

به واسطه‌ی بازطراحی انجام شده، از یک حیث، گزارش‌گری فساد از نقایص و ناکارآمدی مذکور بری می‌شود و از حیث دیگر، این سازوکار باعث شکوفا شدن ظرفیت امر به معروف و نهی از منکر نیز می‌شود، چراکه وقتی دستگاه قضا در انجام این واجب الهی اقدام می‌کند، زمینه‌ای فراهم شده است تا بالاترین مرتبه‌ی امر به معروف و نهی از منکر یعنی برخورد با زور و قدرت در اصلاح اجتماع فراهم شود. با این اتفاق می‌توان راهبردی که از رهبری معظم انقلاب در تغییر و هضم گزارش‌گری فساد اتخاذ کردیم را تصدیق نمود؛ ایشان فرمودند: ما وقتی با یک نظر بیگانه آشنا می‌شویم و ذهن ما آن اتساع لازم را پیدا می‌کند، از منبع اسلامی خودمان استفاده‌ی بهتر و کامل‌تری می‌کنیم.